

هرمیداس باوند: مواضع روسیه در دریای خزر به نفع ایران نیست

حضور شیخ حسن روحانی به آستارخان روسیه یادآور فتوای جهاد آخوندها و تحمیل جنگ نابرابر به دریای فتحعلی شاه قاجار و عهدنامه های گلستان و بوژیه ترکمانچای است. حکومت اسلام محور، همچنان ساده از کنار پایمال گشتن سهم ایران در چهارمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر عبور کرد، اما بحث رژیم حقوقی دریای خزر و ایرانفروشی حکومت اسلامی توسط ملت ایران همچنان رصد می شود. باشد که ایرانیان خود را از زیر آوار خرافه و جهل برهاند و لکه ننگ (حکومت اسلامی) را از دامن ایران پاک کنند.

تابناک حکومتی در گفت و گو با دکتر هرمیداس باوند کارشناس حقوق بین الملل ابعاد حقوقی رژیم دریای خزر را مورد بررسی قرار داده است. در این "بررسی" دکتر هرمیداس باوند از افشاء سیاست های اسلامگرایان حاکم خودداری کرده و انتقادات خود را به سیاست های روسیه محدود کرده است.

آقای روحانی در ادامه سفر نیویورک به آستارخان روسیه برای شرکت در چهارمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر رفته است. به نظر شما در مورد رژیم حقوقی دریای خزر کشور روسیه که میزبان این اجلاس است چه سیاستی را در مورد دریای خزر پی گیری می کند؟

متأسفانه در سال های اخیر مواضع روسیه در مورد دریای خزر به نفع ایران نبوده است. البته در آغاز بعد از فروپاشی شوروی ایران و روسیه یک توافق مشترک داشتند و معتقد بودند نوعی نظام مشاع باید بر این دریا حاکم باشد. حتی در آن زمان روسیه اسنادی را در مجمع عمومی توزیع کرد که اقدامات آذربایجان در مورد انعقاد قراردادهای نفتی با کنسرسیوم های خارجی مغایر با تعهداتی است که در آلماتی آنها انجام داده بودند و مغایر با کنوانسیون جانشینی دولت ها است. ایران نیز خط مشی مشاع را قبول داشت. روسیه در سال 1998 آمد یک خط مشی جدید را اتخاذ کرد. این کشور آمد با قراردادهای دوجانبه مرز دریاچه خزر را که باید به صورت دست جمعی تصمیم گیری می شد را براساس توافق دوجانبه با قزاقستان بستر منطقه دریایی آبهای مجاور را تقسیم کرد. این تقسیم نیز براساس خط منصف تعدیل شده بر مبنای طول سواحل تعیین شد. در ادامه با قراردادهای مشابه با آذربایجان و بعد سه کشور با همدیگر شمال دریا را تقسیم کردند.

با این اقدام روسها چه بر سر سهم ایران آمد؟

در این تقسیم سهم ایران خط موهوم خط مرزی آستار - حسینقلی شد. روس ها دقیقاً خط مشی دست جمعی که لازمه آبهای مشترک است را نادیده انگاشته اند و بر اساس قراردادهای دو جانبه ایران را در یک وضعیت نامطلوب قرار دادند. ایران برای رفع این معضل پیشنهاد تقسیم مساوی دریا میان پنج کشور را کرد که برای هرکدام از کشورهای ساحلی بیست درصد تعیین شود. البته از این

طرح استقبالی نشد. ایران بعدا اعلام کرد اجازه نخواهد داد در آبهای مجاور تا بیست درصد فعالیتی از سوی دیگران صورت بگیرد. مثلا کشتی کمپانی بریتیش پترولیوم مشغول اکتشاف بود که ایران آنها را مجبور کرد که دریای سرزمینی ایران را ترک کنند. از آن زمان مذاکراتی میان ایران، آذربایجان و ترکمنستان صورت گرفت.

تفاوت دیدگاه ایران و روسیه در مورد تقسیم منافع دریای خزر چیست؟

ایران خواهان این بود دریای خزر منطقه غیرنظامی باشد و یک پل ارتباطی سازنده باشد. در حالی که روس ها تمام نگرانی شان بحث نظامی است و عملا بخشی از ناوگان خودشان را از دریای سیاه به دریای خزر منتقل کردند. روس ها 30 پایگاه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دارند. این پایگاه ها مدت دار و سیاسی است. روس ها برای اینکه پایگاه ثابت بدون دردسر داشته باشند؛ به همین دلیل سعی کردند پایگاه نظامی ثابت را در خزر مستقر کنند و ایران را در عمل انجام شده قرار دهند. در این مورد روس ها طرحی پیشنهاد دادند که عمدتا روابط بیشتر به نفع روسیه مدنظر بوده است.

یکی از مسائل مهم در دریای خزر موضوع محیط زیست از جمله مسئله ماهیگیری است؟ در این دوران چه بلایی بر سر ماهیگیری در این منطقه آمده است؟

مسائل زیست محیطی در دریای خزر نیز دچار سرنوشت بسیار دردناکی شده است. به خصوص ماهیان خاویاری به سرعت کاهش شدیدی پیدا کرده است. در حالی که در سال های گذشته از این دریا در حدود 30 هزار تن ماهی خاویار برداشت می شده است؛ در حالی که الان برداشت به 100 تن کاهش پیدا کرده است. روس ها در مذاکراتی می کنند بیشتر جنبه های امنیتی و سیاسی خودشان را مطرح می کنند که دیگران پایگاهی نداشته باشند و یا کشورهای خارجی حضور نداشته نباشد. در واقع روسیه در بعد سیاسی و امنیتی خاص خودش به این دریا اهمیت می دهد به خصوص اینکه الان که بر سر مسئله اوکراین با غرب تنش پیدا کرده است. به همین دلیل سعی می کند جایگاه خودش را در آسیای مرکزی تثبیت کند.

با توجه به اینکه روابط روسیه و ایران در سال های اخیر بهبود یافته است. آیا در عملکرد این کشور در حوزه دریای خزر تغییر ایجاد شده است؟

در سال های اخیر روسیه سعی می کند به ایران نزدیک تر شود. ولی این نزدیکی دال بر این نیست که حقوق ایران را رعایت بکند. روس ها بیشتر در جهت منافع امنیتی و سیاسی مدنظر خودشان گام بر می دارند و از طرف می خواهند مانع حضور قدرت های فرا منطقه ای به اشکال مختلف در این منطقه شوند. بنابراین اجلاس های متعدد در رابطه با خزر تاکنون نتوانسته است به تفاهمی ختم شود. بنابراین تا این لحظه روسیه حتی در یک اجلاسی که بدون حضور ایران و توسط چهار کشور دیگر برگزار کردند نتوانست به توافق دست پیدا کنند. نکته ای که الان به نفع ایران شده است، این است که با توجه به این که غرب خواهان رفع نیازمندی هایش در حوزه انرژی به غیر از روسیه است؛ ایران با توجه به اینکه دومین منبع گازی جهان را دارد؛ می تواند از این فرصت استفاده کند و وارد خط لوله نابکو شود و هم خط مشی مستقلی در مورد دریای خزر اتخاذ کند. ولی ایران به دلیل رابطه ای ویژه ای که با روسیه دارد؛ حتی استفاده از این نیز بعید است. حتی مطمئناً اشاره به چنین موضوعی نمی شود.

بر چه اساسی فعلا بحث 12 درصد در رابطه با سهم ایران مطرح است؟

تعیین رژیم حقوقی دریای خزر بر اساس قرارداد 1940 مبتنی بر طول سواحل نبوده است. اگر مبنا بود از اول دریای خزر تقسیم شده بود. اما در این اواخر این کشورها طول سواحل را مبنا قرار دادند و بستر را تقسیم کردند. بر این اساس سهم ایران را بر اساس همان خط موهوم استار- حسینقلی 12 درصد تحمیل کرده اند. الان ایران روی بیست درصد هم که تا بحال مشغول مذاکره است؛ آن

هم مبهم نیست. اصلاً مشخص نیست در این مذاکرات دستاوردی حاصل شده است یا خیر. قرائن و شواهد نشان می‌دهد در آستارخان به دستاوردی نائل نخواهیم شد.

به هر حال از این نویدهایی که روسیه‌ها می‌دهند بیش از اینکه نوید باشد زنده است. صرفاً مسائل دریای خزر بیشتر پیرامون مسائل و منافع روسیه و اولویت منافع روسیه است. دیگران هم که سهمشان را گرفته‌اند. به عنوان مثال الان روسیه در قراردادهایی که با قزاقستان، ترکمنستان منعقد کرده است؛ در انتقال گاز از کشورهای خط شمال سعی کرده است خریدار باشد تا اینکه خود آنها بفروشند. در واقع نقش روسیه مثل دلال‌هایی که است که در بازار خرید و فروش می‌کنند. روس‌ها متأسفانه در طول این سال‌ها ایران را در حاشیه قرار داده‌اند و تا به حال این سیاست ادامه دار بوده است. الان که رابطه‌اش با غرب بدتر شده است بیش از پیش سیاست قبلیش را در مورد ایران ادامه می‌دهد.

به عنوان سؤال آخر به نظر شما دستاورد این اجلاس چه خواهد بود؟

در مورد مسئله دریای خزر من فکر نمی‌کنم به نفع ایران گامی برداشته شود، بلکه بیش از پیش سعی می‌کنند پیرامون مسائل امنیتی و سیاسی و نظامی بیش از پیش به نفع روس‌ها مذاکرات را با قطعنامه‌هایی در این راستا تصویب کنند. چشم من آب نمی‌خورد که این اجلاس دستاوردی داشته باشد. چرا که موضوعات محیط زیستی مانند ماهی‌خواری که ناشی از آلودگی رودخانه‌های ولگا و اورال همچنان وجود دارد. مجموعه این‌ها سبب شده است که قاقاق و صید بی‌رویه ادامه دار شود. این وضعیت مشترک است.

از طرف دیگر روس‌ها دریای خزر را صد درصد نظامی کرده‌اند و سعی کرده‌اند که پایگاه‌های دریایی در دریای خزر ایجاد کنند.

راهی که برای تامین حقوق ایران وجود دارد این است که ایران در صورتی که به سهم بیست درصدی خود نرسید باید پرونده را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع کند. چون مبنای قضاوت دیوان بر اساس تعهدات قراردادی است که اولویت دارد. در واقع در صورت ارجاع پرونده به دادگاه بدون تردید سهم ایران از این بیشتر خواهد شد.

اخبار

نشانی منبع: <http://www.iranglobal.info/node/39116>